

محمد پورطهماسبی فرد
وکیل پایه یک دادگستری

چک

سیر تحول قوانین نقد آخرین اصلاحیه قانون صدور چک

بالاخره پس از مدت‌ها بحث و اظهار نظر و ارایه طرح‌ها و لوایحی از سوی نمایندگان مجلس، دولت و قوه قضائیه؛ «قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک» در تاریخ ۱۳۸۲/۶/۲ از تصویب مجلس گذشت. تصویب قانون مزبور از جهتی بازگشت به قانون مصوب سال ۱۳۵۵ است، اما تغییرات انجام شده به گونه‌ای است که به نظر می‌رسد نه تنها از حجم پرونده‌های دستگاه قضائی نخواهد کاست، بلکه واجد تناقضاتی نیز با قوانین موجود می‌باشد. آگاهی از قوانین گذشته و موجود و تحولاتی که در این زمینه رخ داده است، موجب شناخت هر چه بیشتر موضوع و در نتیجه امکان تجزیه و تحلیل بهتر آن را فراهم می‌آورد. به همین منظور ابتدا به بیان تاریخچه مختصری از سیر تحول قوانین مربوط به چک و سپس به نقد و بررسی آخرین اصلاحیه قانون صدور چک می‌پردازد:

چک، به عنوان یک سند تجاری، از اواخر قرن هفدهم در انگلستان و از اواسط قرن نوزدهم در فرانسه رواج یافته است. در ایران اما، قانون تجارت مصوب ۱۳۰۴/۳/۱۲ در فصل سوم از باب پنجم (مواد ۲۳۳ لغایت ۲۴۱) چک را به عنوان یک سند تجاری تعریف و مقررات مربوط به آن را وضع کرده است. بر این اساس باید گفت که به نظر می‌رسد تا قبل از قانون مزبور، چک در ایران مورد استفاده نبوده است. این معنا از سوی ژاک بوترون حقوق‌دان و نویسنده کتاب «Le cheque» که در سال ۱۹۲۴ تألیف شده نیز **مورد تأکید قرار گرفته و عنوان داشته است که تا آن زمان قانونی درباره چک وجود**

نداشته اما تجار و کارکنان عالیرتبه دولت چک را می‌شناسند.^{۸۶} قابل توجه آنکه، متأسفانه اکثر نویسندگان حقوق تجارت، قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱/۲/۱۳ را اولین قانون مصوب راجع به چک معرفی کرده‌اند،^{۸۷} در حالی که در قانون تجارت مصوب ۱۳۰۴ خورشیدی ۹ ماده به مقررات مربوط به چک اختصاص یافته بود و تا تصویب قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ نیز حداقل در ۳ قانون دیگر، چک به عنوان یک سند تجاری مورد توجه قرار گرفته است.^{۸۸}

با تصویب قانون تجارت جدیدی در تاریخ ۱۳۱۱/۲/۱۳، مجدداً فصل سوم از باب چهارم قانون (مواد ۳۱۰ تا ۳۲۰) به مقررات مربوط به چک اختصاص یافت و ماده ۳۱۰ عیناً به مانند ماده «نوشته‌ای که به موجب آن صادرکننده وجوهی را که در نزد محال علیه دارد کلاً یا بعضاً مسترد یا به دیگری واگذار می‌کند» تعریف کرده است. به علاوه سایر مقررات مربوط به چک در هر دو قانون یکسان بوده و هر دو قانون چک را نظیر سایر نظام‌های حقوقی تنها یک وسیله پرداخت معرفی کرده و صدور چک وعده‌دار و یا پرداخت به وعده از رؤیت را در مورد چک به رسمیت نشناخته‌اند.

در سال ۱۳۱۲ ماده واحده «قانون مجازات صادرکنندگان چک بدون محل - ماده ۲۴۸ مکرر قانون مجازات عمومی» تصویب و برای اولین بار صدور چک بدون محل واجد وصف کیفری گردید. این قانون صرف صدور چک بدون محل را جرم و مستوجب جزای نقدی (بند الف) و صادرکننده با سوءنیت چک بلامحل را مستحق تحمل کیفر حبس (تأدیبی) توأم با جزای نقدی (بند ب) دانسته است. سوءنیت صادرکننده، آنگاه محرز می‌بود که وی ظرف ۵ روز پس از ابلاغ اظهارنامه، یا از تاریخ اعتراضنامه، وجه چک را

۸۶ - دکتر کاظم شیوا رضوی: مطالعه تطبیقی گردش چک؛ چاپ گیلان، ص ۶۶، شماره ۸۶.

۸۷ - همان منبع؛ ص ۶۶، شماره ۸۵. همچنین دکتر ربیعا اسکینی: حقوق تجارت (برات، سفته، قبض انبار، اسناد در وجه حامل و چک)؛ چاپ «سمت»، سال ۱۳۸۲، ص ۱۸۵ و نیز دکتر بهروز اخلاقی: تاریخچه و ضرورت اصلاح قوانین ناظر بر چک؛ مجله پژوهش‌های حقوقی، سال اول شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۱.

۸۸ - الف: قانون اجازه نفتیش و نظارت در خرید اسعار خارجی به وسیله کمیسیون نرخ اسعار مصوب ۱۳۰۸/۱۲/۶.

ب: قانون مالیات بر شرکت‌ها و تجارت و غیره مصوب ۱۳۰۹/۱/۱۲.

ج: قانون ثبت اسناد و املاک مصوب ۱۳۱۰/۱۲/۲۶.

نمی‌پرداخت. نکته قابل توجه آن است که بند (ب) قانون مزبور، صادرکننده با سوءنیت چک بدون محل را مستحق تحمل مجازاتی معادل مجازات بزه کلاهبرداری قرار داده بود.

در سال ۱۳۳۱ «لایحه قانونی چک بی محل» در ۱۴ ماده به تصویب رسید. این قانون متضمن مطالب جدیدی بود؛ از جمله آنکه چک‌های صادره عهده بانک ملی ایران و سایر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری مجاز را در حکم اسناد لازم‌الاجرا دانسته و در صورت بلامحل تشخیص شدن چک، دارنده را مجاز به صدور اجراییه از طریق اداره اجرای ثبت دانسته است. ماده ۸ قانون اخیر در تعیین مجازات صادرکننده چک بلامحل به بند (ب) ماده ۲۳۸ مکرر ق.م.ع ارجاع داده بود. با مقایسه این ماده از قانون مزبور و ماده ۲۳۸ مکرر ق.م.ع ملاحظه می‌گردد که قانونگذار در واقع با حذف بند (الف) ماده ۲۳۸ مکرر، تنها صادرکننده با سوءنیت چک بلامحل را قابل مجازات اعلام کرده و بدین ترتیب دامنه جرم صدور چک بلامحل را نسبت به گذشته محدودتر کرده است.

لازم به ذکر است که قانون اخیر نیز مانند بند (ب) ماده ۲۳۸ مکرر ق.م.ع صدور چک بلامحل را جرمی عمومی (از خانواده بزه کلاهبرداری) تلقی و گذشت شاکی خصوصی را نیز مانع ادامه تعقیب دانسته، با این تفاوت که شروع به تعقیب بزه موضوع بند (ب) ماده ۲۳۸ مکرر (ماده ۸ لایحه قانونی چک بی محل) برخلاف سایر جرائم عمومی منوط به شکایت شاکی خصوصی شده بود. بدین ترتیب با تصویب قانون اخیر و حذف بند (الف) ماده ۲۳۸ مکرر ق.م.ع حمایت از دارنده چک بلامحل در سیاست کیفری قانونگذار کم‌رنگ شد و تنها در صورتی که سوءنیت صادرکننده چک اثبات می‌شد، تحمل حبس و جزای نقدی را برای وی تجویز می‌کرد. قانون مزبور برای اولین بار وجه‌الضمان معادل وجه چک را به عنوان تأمین خاص در مورد چک‌های بی محل و همچنین رسیدگی فوری به دعاوی چک بی محل در دادسرا و دادگاه را مقرر کرد.

با تصویب «قانون راجع به چک بی محل» در سال ۱۳۳۷، چک‌های صادره عهده مؤسسات اعتباری مجاز از شمول قانون خارج شد. به علاوه با تغییراتی در مفاد مواد ۸ و ۱۲ قانون سال ۱۳۳۱ امکان دفاع عادلانه برای صادرکننده، در مواردی از مواد مزبور فراهم گردید. به موجب ماده ۹ این قانون، علاوه بر وجه‌الضمان، ضمانتنامه بانکی نیز به

عنوان تأمین خاص در مورد چک‌های بی‌محل پذیرفته گردید. نوآوری این قانون در ماده ۱۳ می‌باشد که بانک‌ها را مکلف کرده در صورتی که شخصی سه مرتبه در ظرف یک سال مبادرت به صدور چک بی‌محل کند، حساب جاری وی را مسدود کنند و حساب دیگری نیز برای او باز نکنند.

با تصویب «قانون صدور چک» در سال ۱۳۴۴ تحول چشمگیری در سیاست کبفوری پدیدار شد و برای اولین بار حمایت مطلق از دارنده چک بلامحل در دستور کار قرار گرفت. ماده ۳ این قانون به صراحت تأکید می‌کند که «صادرکننده چک وقتی حق صدور چک دارد که معادل مبلغ آن در بانک محال‌علیه محل (نقد یا اعتبار) داشته باشد...» به علاوه همین ماده تصریح دارد بر اینکه صادرکننده نباید پس از صدور چک نیز اقداماتی را انجام دهد تا موجب عدم پرداخت چک گردد؛ ضمن آنکه وجود هر شرطی در متن چک را نیز بلااثر اعلام کرده است. بنابراین، براساس این قانون، هر صادرکننده چک می‌بایست قبل از صدور چک، از وجود محل برای آن اطمینان می‌یافت تا مشمول مجازات مقرر در ماده ۴ قانون نگردد. ماده ۴ قانون نیز متخلف از ماده ۳ را به طور مطلق مشمول مجازات مقرر می‌دانست، مگر آنکه بر طبق ماده ۶ قانون «حسن نیت خود را به اثبات برساند» و بدین شکل، بار اثبات سوءنیت از عهده شاکی برداشته شد و اثبات حسن نیت برعهده متشاکی قرار گرفت. با تصویب قانون صدور چک در سال ۱۳۴۴ در واقع جرم جدیدی از سوی قانونگذار شناسایی و اعلام گردید که به عنوان جرم «صدور چک بلامحل» شناخته می‌شود.

تحول اساسی دیگر که با تصویب این قانون صورت گرفت، قرار گرفتن جرم صدور چک بلامحل در دایره جرائم غیرعمومی و از جمله جرائم قابل گذشت بود. در نتیجه تعقیب صادرکننده چک بلامحل به درخواست دارنده چک، شروع و با گذشت وی، در هر مرحله موقوف می‌گردید. همچنین صدور اطلاعیه از سوی دادسرا برای بانک محال‌علیه و اعلام انسداد حساب و عدم افتتاح حساب دیگر برای صادرکننده سه فقره چک بی‌محل ظرف یک سال، از سوی بانک محال‌علیه به سایر بانک‌ها، به عنوان تدبیری برای کاهش چک‌های بلامحل در ماده ۱۶ مقرر شد. به علاوه محرومیت از داشتن حساب جاری بانکی برای اشخاصی که سه بار مبادرت به صدور چک بلامحل

کنند، بدون رعایت ظرف زمانی در نظر گرفته شده است. نهایت اینکه قانون مزبور تدابیر جدیدی برای حمایت از دارنده چک در بر داشت.

«قانون صدور چک» مصوب سال ۱۳۵۵ چک‌هایی که در ایران صادر و باید در خارج از ایران پرداخت شوند (ماده ۷) و نیز صدور چک از حساب مسدود (ماده ۹) را مشمول قانون و واجد عنوان کیفری چک بلامحل اعلام کرد. از سوی دیگر ماده ۱۲ قانون مزبور برای اولین بار، چک‌های سفید امضاء، مشروط، تضمینی، بدون تاریخ و وعده‌دار را غیر قابل تعقیب کیفری اعلام کرد، در حالی که ماده ۵ قوانین مصوب ۱۳۳۱ و ۱۳۳۷ تصریح داشتند بر این که: «۵۰ روزی این که چک وعده‌دار بوده مسموع نیست». محرومیت از داشتن حساب جاری بانکی برای مدت ۵ سال در صورت صدور بیش از یک بار چک بلامحل در ظرف سه سال به شرط آنکه تعقیب صادرکننده به صدور کیفرخواست منتهی گردد و تکلیف بانک مرکزی به نگاهداری سوابق این گونه اشخاص و اعلام آن به سایر بانک‌ها، موضوع ماده ۲۰ قانون می‌باشد؛ ضمن آنکه عدم رعایت محرومیت موضوع این ماده، از سوی مسؤولین بانک‌ها، تخلف اداری تلقی و موجب محرومیت انتظامی موضوع ماده ۴۴ قانون پولی و بانکی کشور اعلام شده بود.

اما پس از انقلاب، «قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک» مصوب ۱۳۷۲/۸/۱۱ براساس این دیدگاه که با سختگیری و تشدید مجازات، مانع افزایش رشد چک‌های بلامحل گردد، با تغییر ماده ۱۲ قانون صدور چک، چک‌های سفید امضاء، مشروط، تضمینی و وعده‌دار را در صورت عدم پرداخت قابل تعقیب کیفری اعلام داشت.* همچنین با اصلاح ماده ۹ قانون سابق، صدور چک از حساب مسدود را مستحق حداکثر مجازات دانسته است.

ماده ۶ اصلاحیه، اصلاحاتی به شرح ذیل در ماده ۱۳ قانون به عمل آورده است:

- پرداخت خسارت معنوی و خسارت تأخیر تأدیه حذف و به جای آن عبارت کلی «خسارت وارده به دارنده چک» درج گردیده است.
- به موجب تبصره ۲ اضافه شده، مهلت یک هفته‌ای برای کسی که دستور عدم

* - اولین اصلاحیه پس از انقلاب، لایحه قانونی اصلاح ماده ۱۷ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۸/۴/۳۱ بود که در خصوص تبدیل موقت تأمین موضوع ماده ۱۷ به وثیقه تا پایان سال ۱۳۵۸ بود.

پرداخت داده، تعیین شده تا نسبت به ارایه گواهی «طرح شکایت در مراجع قضائی» به بانک محالّ علیه اقدام کند.

با حذف تبصره ۲ ماده ۱۷ قانون، ارسال اخطاریه اولیه که به «اخطار حسن نیت» معروف بود، متوقف گردید. همچنین با اصلاح ماده ۲۰ قانون، محرومیت از داشتن حساب جاری بانکی، با صدور یک فقره چک بلامحل اعمال می شد به شرط آنکه تعقیب متهم به صدور کیفرخواست منتهی گردد. مدت این محرومیت به سه سال محدود گردید و با الحاق تبصره ۲ به ماده مزبور، مقرر گردید، ظرف سه ماه، آیین نامه راجع به ضوابط محرومیت اشخاص از داشتن حساب جاری بانکی، توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی تهیه و به تصویب هیأت دولت برسد.[#]

در سال ۱۳۷۶ با الحاق تبصره‌ای به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک، اجازه مطالبه خسارات و هزینه‌های مستقیم و متعارف برای وصول چک به دارنده چک داده شده است. در همین سال با اصلاح ذیل تبصره ۱ ماده ۱۴ قانون صدور چک، توقف پرداخت وجه چک‌های مسافرتی و تضمینی فقط در موارد ادعای جعل مجاز دانسته‌اند. در سال ۱۳۷۷ نیز قانون استفساریه راجع به تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک مورد تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام قرار گرفت و به موجب آن مطالبه خسارت تأخیر تأدیه براساس نرخ تورم رسمی کشور در مورد چک‌های بلامحل مجاز شمرده شد.

به رغم همه این تغییر و تحولات، از سال ۱۳۷۹ مجدداً بحث در خصوص ضرورت تغییر و تحول در قانون صدور چک (عمدتاً به دلیل افزایش آمار زندانیان چک) مطرح شد و با بالاگرفتن بحث و مجادله در این خصوص، اظهارنظرهای متفاوتی از ناحیه اشخاص، سازمان‌ها و نهادهای مختلف به عمل آمد؛ نهایتاً طرحی از سوی نمایندگان مجلس شورای اسلامی و لایحه‌ای نیز توسط قوه قضائیه تهیه و به وسیله دولت به مجلس عرضه گردید و در نتیجه «قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک» به تصویب مجلس رسید که به شرح ذیل به بررسی آن می‌پردازد:

- آیین نامه تعیین ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت اشخاص از افتتاح حساب جاری و چگونگی استعلام بانک‌ها مصوب ۱۳۷۳/۸/۲۵ هیأت وزیران.

الف) ماده یک قانون مذکور، ماده ۲ قانون صدور چک را اصلاح و مقرر می‌دارد که: «صادرکننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال‌علیه وجه نقد داشته باشد».

۱- متن مصوب از حیث شیوه نگارش واجد ایراد است. عبارت «مبلغ مذکور» نارسا بوده و معلوم نیست به چه دلیل به جای عبارت مناسب قبلی «مبلغ چک» به کار گرفته شده است. به عبارت دیگر، برای رفع این ایراد قید عبارت «در چک» به دنبال «مبلغ مذکور» ضروری به نظر می‌رسد.

۲- به کار گرفتن عبارت «تاریخ مندرج در آن» علاوه بر اینکه موجد ابهام است، به ظاهر مجوز صدور چک‌های وعده‌دار نیز می‌باشد.

۲-۱ در صورتی که چک دارای بیش از یک تاریخ باشد، مثلاً در مواردی که امضاء صادرکننده متضمن تاریخ صدور بوده و با تاریخ سررسید چک متفاوت باشد؛ در این صورت معلوم نیست که صادرکننده در کدام تاریخ می‌باید معادل مبلغ چک در بانک وجه نقد داشته باشد.

۲-۲ با توجه به تنها تعریف قانونی که در قوانین کشور از چک وجود دارد (ماده ۳۱۰ ق.ت) صادرکننده باید در زمان صدور معادل مبلغ چک، نزد بانک محل داشته باشد. همچنین ماده ۳۱۱ ق.ت* تأکید دارد که تاریخ صدور باید در چک قید شده باشد و پرداخت وجه چک نباید وعده‌دار باشد. بنابراین با توجه به مفاد ماده ۳۱۱ ق.ت، تاریخ مذکور در چک، تاریخ صدور آن تلقی و بر طبق مفاد ماده ۳۱۰ ق.ت، صادرکننده باید در آن تاریخ نزد بانک محال‌علیه معادل وجه چک موجودی داشته باشد. بر این اساس به رغم تعارض ظاهری متن اصلاحی اخیر با مواد ۳۱۰ و ۳۱۱ ق.ت و با عنایت به قاعده «الجمع مهما امکن اولی من الطرح» بایستی بر آن بود که به رغم ظاهر ماده یک اصلاحیه اخیر، کماکان تاریخ مندرج در چک، تاریخ صدور چک تلقی خواهد شد.

۲-۳ ذکر این توضیح ضروری است که در قانون صدور چک سال ۱۳۵۵، به رغم تأکید بر ضرورت وجود وجه نقد یا اعتبار معادل مبلغ چک در بانک، در تاریخ صدور، در

* - ماده ۳۱۱ ق.ت: در چک باید محل و تاریخ صدور قید شده و به امضای صادرکننده برسد. پرداخت وجه نباید وعده‌دار باشد.

ماده ۱۲ نیز بر غیر قابل تعقیب بودن صادرکننده چک‌های وعده‌دار، تضمینی، مشروط و سفیدامضاء تصریح شده بود. این ترتیب حاکی از آن بود که اصل بر آن است که تاریخ مندرج در چک همان تاریخ صدور چک است؛ اما این مطلب اماره‌ای بود که امکان اثبات خلاف آن وجود داشت.

اصلاحیه اخیر نیز، در عمل کاربردی جز این نخواهد یافت. با این تفاوت که با اصلاحات انجام شده و بکارگیری الفاظ و عباراتی مبهم و مجمل، سعی شده است برخلاف تعریف قانونی چک، مندرج در قانون تجارت، صدور چک وعده‌دار به طور ضمنی مورد قبول قرار گیرد.^۳ در اینجا ذکر این نکته نیز ضروری است که پذیرش قانونی چک وعده‌دار موجب افزایش صدور این گونه چک‌ها خواهد بود و این امر در واقع موجب ایجاد نوعی اعتبار نامحسوس و نامحدود برای صادرکنندگان این گونه چک‌ها و در نتیجه ایجاد قدرت خرید کاذب در جامعه می‌گردد که آثار تورمی چشمگیری خواهد داشت.

۳- اصلاحیه اخیر مقرر داشته است که صادرکننده باید در بانک محال‌علیه دارای «وجه نقد» معادل مبلغ چک باشد. ماده ۲ قانون صدور چک مصوب ۱۳۵۵ حاکی از آن بود که صادرکننده باید در بانک محل (نقد یا اعتبار قابل استفاده) داشته باشد. این تغییر نیز واجد اثر مثبتی به نظر نمی‌رسد؛ چه از یکسو، با توجه به رونق نسبی اقتصادی که طی سال‌های اخیر ایجاد شده و نیز با توجه به حضور بانک‌ها و مؤسسات اعتباری خصوصی که زمینه‌ساز رقابت در عرصه خدمات بانکی می‌باشند، بانک‌های دولتی نیز در مقام توسعه خدمات بانکی بوده و غالباً به دنبال راهکارهای مناسب و منطبق با موازین شرعی برای اعطاء اعتبار به مشتریان خود می‌باشند؛ لیکن اصلاحیه اخیر، پیشاپیش راه استفاده از این نوع خدمات بانکی را برای مشتریان بانک‌ها مسدود کرده است. از سوی دیگر نیز، تغییر ایجاد شده، تأثیری بر کاهش آمار صدور چک بلامحل، که هدف اساسی و اصلی از تصویب اصلاحیه اخیر بوده است، ندارد.

۴- با توجه به سوابق امر به نظر می‌رسد، قسمت اول از متن ماده ۳ قانون صدور چک،

مصوب ۱۳۴۴/۳/۴ که مقرر می‌داشت: «صادرکننده چک وقتی حق صدور چک دارد که معادل مبلغ آن در بانک محلّ علیه محل (نقد یا اعتبار) داشته باشد»، به ویژه اگر عبارت «قابل استفاده» مذکور در ماده ۲ قانون سال ۱۳۵۵ نیز به عنوان وصف اعتبار به آن افزوده گردد، مناسب‌تر و کامل‌تر از سایر متون و از جمله متن مصوبه اخیر می‌باشد. چه بر آن اساس، صادرکننده چک می‌بایست قبل از صدور چک از وجود محل برای آن مطمئن می‌گردید. در غیر این صورت صدور چک بدون تأمین قبلی محل آن، حاکی از قصور صادرکننده و مؤید سوءنیت وی می‌بود.

ب) ماده ۲ قانون، الحاق ماده ۳ مکرر به قانون صدور چک بلامحل را به شرح ذیل مقرر کرده است: «چک فقط در تاریخ مندرج در آن یا پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود.»

۱- مفاد ماده ۳ مکرر، دلیل روشن دیگری حاکی از تغییر نگرش قانونگذار در رابطه با چک‌های وعده‌دار است؛ چه در غیر این صورت، همانند گذشته نیازی به چنین مصوبه قانونی نبود، به آن جهت که اساساً فرض قانونگذار آن بود که هیچ چکی قبل از تاریخ صدور که همان تاریخ مندرج در چک بود امکان ارایه به بانک، برای وصول را ندارد.

۲- با تصویب قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک، مصوب ۱۳۷۲/۸/۱۱ و بهنگام ارایه چک‌هایی که سررسید آنها هنوز فرا نرسیده بود، رویه بانکی برای مدتی دچار تشتت گردید. بدین معنا که برخی از بانک‌ها از پذیرش چنین چک‌هایی امتناع کرده و برخی دیگر با پذیرش آنها، مبادرت به صدور گواهی عدم پرداخت به علت تقدم تاریخ کردند. به نظر می‌رسد ماده ۳ مکرر اخیرالتصویب در مقام رفع این مشکل پیشنهاد و تصویب گردیده است؛ حال آنکه مشکل مزبور دیری نپایید و بانک‌ها با ایجاد هماهنگی و اتخاذ رویه واحد از پرداخت این گونه چک‌ها خودداری و در صورت درخواست دارنده، مبادرت به صدور گواهی عدم پرداخت به عدم تقدم تاریخ می‌کردند.

ذکر این نکته نیز لازم است که مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی حاکی از آن است که منظور نمایندگان محترم مجلس نیز دقیقاً آن بوده که با توجه به اینکه جامعه

چک‌های وعده‌دار و تضمینی را در عمل پذیرفته است، قانونگذار نیز این نوع چک‌ها را مورد پذیرش قرار دهد، النهایه در صورت بلامحل تشخیص شدن این گونه چک‌ها، صادرکننده قابل تعقیب کیفری نباشد.

اما نکته مهمی که به نظر می‌رسد در این میان مورد توجه قرار نگرفته آن است که، آنچه که مورد پذیرش جامعه واقع شده بود، چک‌های وعده‌دار و تضمینی با حمایت‌های قانونی، به ویژه حق تعقیب کیفری صادرکننده، از صورت بلامحل بودن چک بود، به عبارت دیگر پذیرش این گونه چک‌ها به این دلیل بود که دارنده آن با کتمان وعده‌دار یا تضمینی بودن آن می‌توانست صادرکننده را مورد تعقیب کیفری قرار دهد و این امری است که متأسفانه با وجود اصلاحیه اخیر نیز ادامه خواهد یافت و اصلاحیه اخیر در صورت موفقیت، فقط می‌تواند موجب کاهش این گونه موارد استفاده سوء از چک گردد، لیکن موفقیت آن در از بین بردن این گونه موارد سوءاستفاده محل تردید است به همان دلیل که طی سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۷۲ نیز چنین موفقیتی حاصل نشد.

ج) ماده ۳ قانون، به اصلاح ماده ۷ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک مصوب ۱۳۷۲/۸/۱۱ پرداخته، طی سه بند و یک تبصره، مجازات صادرکننده چک بلامحل را متناسب با مبلغ چک تعیین و در تمام موارد، از تعیین جریمه نقدی خودداری کرده است. به علاوه محرومیت از «داشتن دسته چک» به مدت دو سال نیز، منحصرأ در بند (ج) که متضمن اشد مجازات است، به عنوان مجازات تکمیلی در نظر گرفته شده است.

۱- در صدر ماده ۷ اصلاحی، برای اولین بار از عنوان «صدور چک بی‌محل» استفاده شده است بدون آنکه هیچ تعریفی از بزه مذکور به عمل آمده باشد.

به علاوه با اصلاح متن ماده ۷ سابق (با لحاظ اصلاحیه مصوب ۱۳۷۲) و جایگزینی متن جدید و حذف ارجاع به ماده ۳ از این ماده، ارتباط منطقی بین این دو ماده از بین رفته است. خاطر نشان می‌سازد متن ماده ۷ سابق بدون ذکر عنوان خاصی برای صدور چک بلامحل، مرتکب تخلفات مذکور در ماده ۳ را قابل مجازات معرفی می‌کرد؛ در حالی که در اصلاحیه اخیر، با حذف ارجاع به ماده ۳ و عدم بیان تعریف جرم «صدور چک بلامحل» معلوم نیست معنا و مفهوم و مصادیق جنین جرمی را به کمک کدام قریبه باید

شناخت!

همچنین با توجه به اینکه بزه صدور چک بلامحل، به علت بی‌نیازی از احراز سوءنیت مرتکب، از مصادیق «جرائم مادی صرف» شناخت شده^{۱۱} و از آنجا که هیچ ارتباط منطقی بین ماده ۳ و ماده ۷ اصلاحی اخیر وجود ندارد، آیا نمی‌توان مدعی شد که باتصویب اصلاحیه اخیر، احراز بزه «صدور چک بلامحل» مستلزم اثبات سوءنیت مرتکب به عنوان یکی از ارکان اساسی جرم می‌باشد؟ آیا رویه قضائی سابق که متکی و مبتنی بر متون قانونی سابق بوده، قادر به جبران این خلاء قانونی خواهد بود یا از این پس تحقق بزه «صدور چک بلامحل» نیز مانند سایر جرائم، مستلزم اثبات وجود عنصر معنوی جرم نیز می‌باشد؟

۲- قانونگذار در اصلاحیه اخیر، جزای نقدی، معادل یک چهارم وجه چک را، از مجازات صادرکنندگان چک‌های بلامحل حذف و مجازات حبس را نیز براساس مبلغ چک، با رعایت حد نصاب‌هایی تعیین کرده است؛ به این ترتیب که با افزایش مبلغ چک بلامحل، مجازات صادرکننده نیز تشدید شده است.

ظاهراً از آن جهت که تعداد قابل ملاحظه‌ای از محکومان دادگاه‌ها در رابطه با جرم صدور چک بلامحل را افرادی از اقل‌ساز متوسط و ضعیف جامعه تشکیل داده و چک‌های آنان متضمن مبالغ سنگینی نبوده، این رویه به منظور حمایت از آنها به کار گرفته شده است. اما از آنجا که حسب مفاد صدر ماده ۷، صرف صدور چک بلامحل جرم می‌باشد و مبلغ چک بلامحل تأثیری در شدت و اهمیت جرم ارتكابی ندارد، تعیین و تشدید مجازات قانونی براساس مبلغ چک بلامحل مغایر اصل پذیرفته شده «تعیین مجازات متناسب با بزه ارتكابی» است؛ چه در هر حال و قطع نظر از اینکه مبلغ چک چه میزان باشد، با صدور گواهی عدم پرداخت از سوی بانک محالاً علیه، جرم محقق شده است و تعیین مجازات متفاوت برای مرتکبین مختلف بدون توجه به مسائلی از جمله شخصیت مرتکب و وضعیت وی در زمان ارتكاب جرم و تنها براساس کم یا زیاد بودن مبلغ چک، نوعی تبعیض در تعیین مجازات و در امر قانونگزاری به شمار می‌آید، حال آنکه روش تعیین مجازات ماده ۷ اصلاحی، روشی عادلانه‌تر به نظر می‌رسید، چه از

یکسو تعیین مجازات حبس را در یک محدوده مشخص قانونی در اختیار قاضی قرار داده بود تا متناسب با شخصیت مجرم، وضعیت وی در زمان ارتکاب جرم و سایر عوامل مؤثر در جریان ارتکاب بزه، برای مجرم تعیین مجازات کند و از سوی دیگر به منظور متناسب‌تر کردن مجازات، جزای نقدی نیز به نسبت وجه چک برای وی تعیین و مقرر می‌گردید و این مکانیزم، مجازات ترکیبی متناسب را به وجود می‌آورد.

۳- علاوه بر این و با توجه به اینکه ظاهراً تعداد قابل ملاحظه‌ای از چک‌های بلامحل متضمن مبالغ کم و مشمول بندهای الف و ب ماده ۷ اصلاحی اخیر می‌باشد، این احتمال نیز دور از ذهن نیست که با کاهش مجازات قابل اعمال نسبت به صادرکنندگان این گونه چک‌ها، صدور چک‌های بلامحل از این دست، برخلاف نظر غایی قانونگذار افزایش یابد. چه این گونه چک‌ها قبلاً نیز با وجود احتمال مجازات حداقل ۶ ماه تا حداکثر دو سال حبس، صادر می‌شدند و بالطبع، کاهش مجازات قانونی و محدود ساختن آن به یک روز تا حداکثر ۶ ماه (بند الف) می‌تواند موجب تجری صادرکنندگان این گونه چک‌ها باشد.

۴- با عطف توجه به مفاد بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین، مصوب سال ۱۳۷۳^{۱۱}، که تبدیل حبس به جزای نقدی را در موارد خاص، تجویز می‌نماید و به رغم اینکه مجازات مقرر در بند (الف) ماده ۷ اصلاحی اخیر قانون صدور چک واجد اوصاف مذکور در قانون یاد شده می‌باشد، به نظر می‌رسد مفاد بند الف ماده ۷ اصلاحی اخیر قانون صدور چک نسبت به مفاد بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از... ورود داشته و لاجرم تبدیل مجازات حبس مزبور به جزای نقدی به استناد مفاد بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی از... مجاز نباشد.

۵- یکی از مباحث عمده چند سال اخیر پیرامون قانون صدور چک، راجع به سهولت افتتاح حساب جاری برای اشخاص، از سوی بانک‌ها و در نتیجه سهولت صدور چک برای همگان بوده است. این در حالی است که برطبق اصلاحیه قبلی (مصوب سال ۱۳۷۲)، صدور بیش از یک فقره چک بلامحل موجب مسدود شدن حساب جاری

۱۱- بند ۲ ماده ۳ قانون وصول برخی درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین: «هرگاه حداکثر مجازات بیش از نود و یک روز حبس و حداقل آن کمتر از این باشد، دادگاه مخیر است که حکم به بیش از سه ماه حبس یا جزای نقدی از هفتاد هزار و یک (۷۰/۰۱۱) ریال تا سه میلیون (۳/۰۰۰/۰۰۰/۰) ریال بدهد.»

صادرکننده و محرومیت وی از داشتن حساب جاری برای ۳ سال بود. اما اصلاحیه اخیر که در پی مباحثات چند ساله اخیر و به منظور اتخاذ روش‌هایی برای کاهش صدور چک‌های بلامحل و کاهش دعاوی مربوطه در دستگاه قضائی، در دستور کار قوه مقننه قرار گرفته بود، نه تنها در مسیر چنین هدفی گام برداشته، بلکه برعکس با کاهش مدت محرومیت و نیز معافیت بخش عمده‌ای از صادرکنندگان چک بلامحل از این محرومیت (مشمولین بندهای الف و ب)، در واقع بخش عمده مرتکبین این جرم را از چنین محرومیتی معاف نموده که این امر نیز به نوبه خود می‌تواند عامل دیگری در افزایش شمار چک‌های بلامحل در آینده باشد.

متأسفانه چندی است به کار گرفتن عبارات عامیانه و عدم توجه و دقت در استخدام الفاظ و عبارات مناسب در متون قانونی مشاهده می‌شود. عبارت «ممنوعیت از داشتن دسته چک» که در بند (ج) ماده ۷ اصلاحیه اخیر مورد استفاده قرار گرفته، نمونه‌ای از این موارد است که حتی منظور واقعی قانونگذار را منعکس نمی‌کند. چه با توجه به سوابق امر، به نظر می‌رسد منظور واقعی متن محرومیت محکوم‌علیه از داشتن حساب جاری بانکی است، اما متأسفانه عبارت مورد استفاده که لحنی «محاوَره‌ای» دارد نه تنها موجب چنین محرومیتی نیست، بلکه به نظر می‌رسد حتی مانع صدور چک از ناحیه محکوم‌علیه در مدت ۲ سال مورد نظر قانونگذار نیز نخواهد بود؛ از آن جهت که:

- آنچه از عبارت مزبور استنباط می‌شود، به ویژه با توجه به «قاعده تفسیر مضیق به نفع متهم» آن است که محکوم‌علیه تنها از داشتن دسته چک محروم است و از داشتن حساب جاری بانکی محروم نمی‌باشد.
- از سوی دیگر، محکوم‌علیه با داشتن حساب جاری بانکی و بدون نیاز به دسته چک، می‌تواند از چک «امنیبوس» استفاده و مبادرت به صدور چک کند. چک امنیبوس، برگ چکی است که در موارد استثنایی، به درخواست دارنده حساب جاری بانکی، از سوی بانک محال‌علیه به صورت تک‌برگ در اختیار دارندگان حساب‌های جاری قرار داده می‌شود.

بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که عبارت عامیانه مورد استفاده در بند (ج) ماده ۷ اصلاحیه اخیر نه از جهت شکل و نه از جهت محتوا، مناسب و واجد اثر و معنای مورد نظر مقنن نمی‌باشد.

۷- در قسمت اخیر بند (ج) ماده ۷ آمده است: «در صورتی که صادرکننده اقوام به اصدار چک‌های بلامحل کرده باشد مجموع مبالغ مندرج در متون چک‌ها ملاک عمل خواهد بود.» عبارت مزبور به وسیله حرف عطف «و» به متن بند (ج) مرتبط و معطوف گردیده است و بدین ترتیب به نظر می‌رسد که می‌بایست عبارت یاد شده را فقط مختص همین بند بدانیم. به عبارت دیگر، در صورتی که شخصی مبادرت به صدور چند فقره چک کند که مجموع آنها حداکثر ۴۹/۹۹۹/۹۹۹ ریال باشد و مبلغ هیچ یک از آنها ۹/۹۹۹/۹۹۹ ریال بیشتر نباشد، هیچ دادگاهی به حکم قانون اخیرالتصویب قادر نیست حتی با رعایت ماده ۴۷ قانون مجازات اسلامی، در خصوص تعدد جرم، وی را به بیش از ۶ ماه حبس، یعنی حداکثر مجازات مقرر در بند (الف) ماده ۷ محکوم کند؛ در حالی که اگر همین عبارت به صورت تبصره‌ای در ذیل ماده مزبور درج شده بود با تسری آن به تمام مفاد ماده ۷ و بندهای آن، منظور موردنظر قانونگذار تأمین می‌شد.

۸- تجربه سال‌های بعد از تصویب قانون صدور چک سال ۱۳۵۵، نشان‌دهنده آن است که غالباً در مقابل هر شکایت مطروحه از ناحیه دارندگان چک‌های بلامحل ادعایی مبتنی بر یکی از موارد مذکور در ماده ۱۲ آن قانون مطرح و در مواردی نیز شکایات متقابلی بر همان اساس مطرح می‌گردید که اغلب به منظور از میدان به در کردن حریف بود و نه مبتنی بر واقع امر. با تصویب تبصره اخیر ذیل ماده ۷ به نظر می‌رسد مستمسک جدیدی برای صادرکنندگان چک‌های بی‌محل فراهم شده است، با این تفاوت که این بار با توجه به صلاحیت دادگاه‌های انقلاب در خصوص معاملات ربوی، موج شکایات ناشی از این تبصره به سوی این دادگاه نیز سرازیر شود. نکته قابل توجه در مورد این تبصره آن است که مفاد تبصره حاکی از آن است که عمل مرتکب صدور چک بی‌محل در این موارد نیز جرم تلقی می‌شود، لیکن به اعتبار مفاد تبصره، مرتکب به لحاظ شرایط خاص موردنظر، از تحمل مجازات مقرر معاف می‌باشد. در تأیید این معنا باید گفت، چنانچه مراد آن می‌بود که اساساً صدور چک‌های بلامحلی که بابت معاملات نامشروع و ربوی صادر شده‌اند، جرم تلقی نگردد؛ مفاد این تبصره می‌بایست به عنوان یکی از بندهای ماده ۱۳ اصلاحی اخیر درج می‌شد. تأثیر چنین برداشتی از مفاد تبصره مزبور در تعلیق مجازات خواهد بود که می‌تواند به رغم معافیت مرتکب از مجازات صدور چک

بلامحل، موجب الغاء تعلیق مجازات معلق قبلی گردد.*

د) ماده ۴ قانون، به حذف نرخ خسارت تأخیر تأدیه از ماده ۱۱ قانون سال ۱۳۵۵ پرداخته و بالحق تبصره‌ای به آن، برای محاسبه خسارت تأخیر تأدیه، به «قانون الحاق یک تبصره به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک» مصوب ۱۳۷۶/۳/۱۰ ارجاع داده است. به نظر می‌رسد کلاف سردرگمی که در نتیجه تغییرات مکرر قانون صدور چک به وجود آمده، بالاخره به دست و پای واضعین قانون هم پیچیده است!

اد) قانون الحاق یک تبصره به ماده ۲ قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک و استفساریه آن که هر دو مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام می‌باشند، مبنای محاسبه خسارت تأخیر تأدیه را مشخص می‌کند و با جایگزین کردن نرخ رسمی تورم سالانه (که از سوی بانک مرکزی اعلام می‌شود) به جای نرخ ۱۲٪ سالیانه مذکور در ماده ۱۱ قانون سال ۱۳۵۵، در واقع این بخش از ماده ۱۱ مذکور را نسخ کرده‌اند. بدین ترتیب نیازی به نسخ مجدد این قسمت از ماده ۱۱ قانون یاد شده وجود نداشت، لیکن روش ناصوابی که قانونگذار در اصلاح قانون صدور چک از سال ۱۳۷۲ اتخاذ کرد و در اصلاحیه اخیر نیز به آن تاسی کرده‌اند، موجب آنچنان آشفتگی گردید که واضعین قانون را نیز در همان ابتدای راه به اشتباه انداخت.

همچنین اصلاحیه اخیر که «قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک» نامیده شده است، با توجه به نام انتخابی، علی‌القاعده می‌بایست به اصلاح قانون صدور چک مصوب سال ۱۳۵۵ با رعایت اصلاحات به عمل آمده تا زمان تصویب قانون اخیر، پردازد. اما در مواد ۲ تا ۴ به قانون سال ۱۳۵۵ بدون ملحوظ داشتن تغییر شماره مواد ناشی از اصلاحیه سال ۱۳۷۲ و در ماده ۳ به ماده ۲ اصلاحیه مصوب سال ۱۳۷۲ ارجاع داده، مجدداً در ماده ۴، قانون سال ۱۳۵۵ بدون توجه به اصلاحیه سال ۱۳۷۲ مورد اصلاح قرار گرفته و در تبصره الحاقی موضوع این ماده به مصوبه سال ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت ارجاع داده و این روند تا به آخر ادامه یافته است.

بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که متأسفانه در جریان اصلاحات و الحاقات مکرری

* - ماده ۳۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰/۹/۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام.

که نسبت به قانون صدور چک صورت گرفته، اصول و شیوه‌های تدوین قانون، حتی از حیث شکلی نیز کمتر مورد توجه واقع شده است. از جمله آنکه حتی در انتخاب نام قانون نیز، این گونه مسائل مورد توجه واقع نشده و هر دو اصلاحیه مصوب سال ۱۳۷۲ و اصلاحیه اخیر دقیقاً دارای یک نام واحد «قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک» می‌باشند.

۲- ماده ۱۱ قانون سال ۱۳۵۵ پس از تعیین نرخ خسارت تأخیر تأدیه که به شرح فوق مورد اصلاح قرار گرفت به تعیین حکم در خصوص اعلام گذشت شاکی در مراحل مختلف پرداخته و در قسمت اخیر تصریح دارد براینکه: «هر گاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند... اجرای حکم موقوف می‌شود و محکوم‌علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد». این در حالی است که با اصلاح ماده ۷ اصلاحی و تغییر مجازات بزه صدور چک بلامحل، جزای نقدی از مجازات‌های حذف و در هیچ یک از بندهای ماده ۷ جدید مجازات جزای نقدی مقرر نشده است. اما متأسفانه فقدان دقت کافی از یک سو و آشفتگی ناشی از روش ناصواب مذکور در فوق و اصلاحات و تغییرات مکرر موجب آن گردید که این بخش از ماده ۱۱ قانون سال ۱۳۵۵ که به واقع نیاز به اصلاح داشت، مغفول بماند.

۵- ماده ۵ قانون، با اصلاح ماده ۱۳ اصلاحیه سال ۱۳۷۲ و رجعت به گذشته دقیقاً متن ماده ۱۲ قانون سال ۱۳۵۵ را مجدداً احیا و فقط عبارت «در مورد این ماده شهادت شهود به تنهایی مثبت ادعا نیست» را حذف کرد. این رجعت که به منظور کاهش تعداد زندانیان صادرکننده چک‌های بلامحل انجام شد، از سوی برخی به واقع بینی قانونگذار تعبیر شد. اما همان گونه که گفته شد، این تغییر نیز به منظور حل مشکل موجود فعلی و بدون آینده‌نگری براساس توجه و دقت در مسایل گذشته، صورت گرفت. خاطر نشان می‌سازد، همین ترتیب از سال ۱۳۵۵ تا آبان‌ماه سال ۱۳۷۲ لازم‌الاجرا بود و به دلیل مشکلاتی که از آن ناشی شده بود، اصلاحیه سال ۱۳۷۲ به تصویب رسید.

۶- ماده ۶ قانون، ماده ۱۸ اصلاحی و تبصره آن را حذف و متنی را جایگزین آن کرده

که بر آن اساس، تأمین کیفری چک از «وجه الضمان یا ضمانتنامه بانکی» به «کفالت یا وثیقه» تبدیل شده است. این تغییر نیز با توجه به تغییر سیاست قانونگذار مبنی بر کاهش حمایت قانونی از دارنده چک صورت گرفته است؛ لیکن به هر حال به نظر می‌رسد با توجه به شرایط موجود این اقدامی مفید و شاید مؤثرترین اصلاح به عمل آمده در جهت کاهش بازداشت متهمین باشد.

(ز) ماده ۷ قانون نیز بخشی از ماده ۲۱ قانون سال ۱۳۵۵ را که به قانون آیین دادرسی کیفری سابق ارجاع می‌داد، حذف کرده است.

بنابر آنچه گفته شد، اصلاحیه اخیر با توجه به مشکلاتی که به ویژه طی چند سال اخیر در رابطه با چک‌های بلامحل به وجود آمده، با تعدیل سیاست کیفری، ضمن رجعت به قانون صدور چک سال ۱۳۵۵، حمایت‌های قانونی از دارنده چک را نیز به نفع صادرکنندگان کاهش داده است. اما با نگاهی به گذشته، به ویژه از سال ۱۳۴۴ که سیاست حمایت از دارنده به عنوان محور اصلی قانون صدور چک درآمد، ملاحظه می‌گردد که قانونگذار برای رفع و دفع مشکلات موجود، به ناچار هر از چند گاهی مبادرت به انجام اصلاحاتی در قانون کرده و با این وصف، این گونه مشکلات کماکان وجود دارند و به نظر نمی‌رسد اصلاحیه اخیر نیز بتواند مشکلات مزبور را یکسره حل و فصل کند. به علاوه با نگرشی جامع‌تر، باید گفت که در یک رابطه حقوقی دو طرفه، هرگاه که قانونگذار بنا بر مصالحی در مقام حمایت قانونی از یک طرف این رابطه برآمده، با عکس‌العمل طرف مقابل مواجه و این عکس‌العمل‌ها موجب بروز مشکلاتی در اجرای قانون، مطابق نظر قانونگذار، شده است. نمونه کاملاً مشخص در این زمینه، روابط موجر و مستأجر است. در این خصوص نیز قانونگذار از سال ۱۳۳۹ و با تصویب قانون روابط مالک و مستأجر در مقام حمایت از مستأجر در مقابل موجرین برآمد و همین امر باعث بروز مشکلات عملی برای مستأجرین گردید. همین مشکلات با تصویب و اجرای قانون روابط موجر و مستأجر مصوب سال ۱۳۵۶ نیز بروز کرد؛ اما هر زمان که قانونگذار، کمتر در مقام حمایت از مستأجرین برآمده، بی‌طرفی بیشتری مورد توجه قرار گرفته و احکام عمومی اجاره موضوع قانون مدنی و پذیرش حکومت اراده طرفین در تنظیم قرارداد اجاره را در روابط مالک و مستأجر مدنظر قرار داده، عملاً

مشکلات کمتری گریبانگیر مستأجرین بوده و دعاوی کمتری نیز در این خصوص در مراجع قضائی مطرح شده است.^{**}

در رابطه با قانون صدور چک نیز این معنا صادق است. تجربه گذشته نشان داده است که حمایت از دارنده چک، کم یا زیاد، به هر حال نمی‌تواند رافع مشکلات موجود در خصوص این سند تجاری، که امروزه نقش قابل ملاحظه‌ای در روابط پولی و مالی جامعه دارد، باشد. لاجرم به نظر می‌رسد زمان قطع چنین حمایتی فرا رسیده است. بخصوص آنکه حسب اطلاع، در نظر است نسبت به اصلاح قانون تجارت اقدام شود و وزارت بازرگانی نیز مأمور انجام بررسی‌های لازم و تهیه و تدوین پیش‌نویس قانون تجارت جدید بوده و طی طرحی که در دست بررسی است قوانین و مقررات مربوط به چک به صورت یکجا تدوین شده و بخشی از این پیش‌نویس نیز به مقررات جزائی چک اختصاص یافته است.^{**} چنین ترتیبی، از این جهت که مانع تصویب مقررات متناقض در دو بخش جزائی و تجاری است، مفید خواهد بود.

اما اگر بنا بر عدم حمایت از دارنده چک باشد، دو راهکار وجود دارد:

اول: حذف مقررات کیفری در مورد چک بلامحل و تبدیل چک به یک برات یک رؤیت.

دوم: حمایت قانونی از چک به جای حمایت از دارنده آن.

○ **راهکار اول:** در برخی از کشورها، از جمله امریکا و انگلیس، چک به عنوان یک وسیله پرداخت فوری مورد استفاده بسیار است و در عین حال هیچ مقررات جزائی برای حمایت از آن به طور اخص وجود ندارد. فقدان مقررات کیفری خاص برای چک، البته به آن معنا نیست که در صورت سوءاستفاده از آن و ارتکاب جرم به وسیله چک، مرتکب مجازات نشود، بلکه در این گونه موارد معمولاً مرتکب تحت عناوین دیگری از قبیل جعل یا کلاهبرداری قابل پیگرد می‌باشد.

در این راهکار، این نکته را نیز باید مدنظر داشت که اسناد تجاری دیگری چون سفته و برات نیز وجود دارند که متأسفانه در کشور ما، به ویژه پس از انقلاب کمتر مورد

* - دکتر ناصر کاتوزیان: ضمیمه حقوقی مدنی عقود معین (۱)، (شرح قانون روابط موجر و مستأجر و قانون تکمیل و اجاره واحدهای مسکونی)، چاپ دانشگاه تهران، سال ۱۳۵۶، ص ۳ شماره ۲۰۵.

** - سایت نقطه تجاری ایران متعلق به مرکز پژوهش‌های بازرگانی وزارت بازرگانی به نشانی:

استفاده قرار گرفته‌اند و در واقع چک در بسیاری از موارد استفاده امروزی، نقش سفته و برات را ایفاء می‌کند. علت چنین جایگزینی، از یکسو، حمایت‌های قانونی از دارنده چک است و از سوی دیگر، عدم حمایت قانونی مناسب از اسناد تجارتي مثل سفته و برات در مقایسه با چک می‌باشد. به تعبیر دیگر در صورت کاهش حق تمبر و هزینه‌های واخواست و دادرسی و نیز تسریع در انجام دادرسی‌های مربوط به اسناد تجاری، به نظر می‌رسد که جذابیت لازم برای استفاده از این اسناد در جامعه ایجاد گردد. به علاوه می‌توان سفته را در حکم اسناد لازم‌الاجرا قرار داد و امکان وصول آن را از طریق ادارات اجرای ثبت فراهم آورد، بخصوص آنکه از بابت سفته هم حق تمبر دریافت می‌شود و هم واخواست آن برای استفاده از مزایای آن ضروری است، ضمن آنکه اتخاذ روش‌هایی برای تسهیل وصول وجه این گونه اسناد از سوی سیستم بانکی نیز متصور است.

بدیهی است در چنین صورتی، چک نیز که از حیث حمایت‌های قانونی در موقعیتی مشابه سایر اسناد تجاری قرار گرفته است، منحصراً برای پرداخت‌های فوری مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

○ **راهکار دوم:** اما با توجه به مناسبات حاکم و عرف رایج در جامعه ما، وجود نوعی از اسناد پرداخت با تضمین‌های مؤثرتر ضروری به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر، قطع نظر از موارد استفاده سوء از چک، این نیاز جامعه به سندی با حمایت قانونی بیشتر بوده است که کاربرد چک را در روابط پولی و مال جامعه تا بدین حد توسعه داده است. بنابراین می‌توان گفت که حمایت قانونی از چک در شرایط جامعه ما امری مفید و شاید ضروری باشد، اما نکته مهم آن است که حمایت قانونی متوجه خود چک باشد و نه دارنده آن. بنابر آنچه گفته شد حمایت از دارنده چک موجب گسترش موارد استفاده سوء از چک و در نتیجه بروز مشکلاتی گردیده که تغییرات و اصلاحات مکرر قانون چک تاکنون موفق به رفع و دفع آن نگردیده است. در حالی که حمایت از چک به عنوان یک وسیله پرداخت فوری مانع از استفاده سوء از این سند شده و در عین حال مانع از صدور بی‌رویه چک‌های وعده‌دار و در نتیجه مانع از ایجاد اثرات تورمی این گونه چک‌ها خواهد بود.

ذکر این توضیح ضروری است که منظور از حمایت از چک آن است که صدور چک

بی محل و نیز صدور چک جز برای پرداخت فوری ممنوع و قابل مجازات باشد. در عین حال دریافت کنندگان و ظهرنویسان چک‌های وعده‌دار، تضمینی، مشروط و سفید امضایی نیز که از وضعیت صدور چک مطلع بوده‌اند، در صورت عدم پرداخت چنین چک‌هایی، قابل تعقیب شناخته شوند. بدیهی است در چنین صورتی دارندگان و ظهرنویسان با حسن نیت قابل تعقیب نیستند. راهکار مزبور، به ویژه با توجه به مباحثاتی که طی چند سال اخیر در رابطه با قوانین مربوط به چک وجود داشته، ممکن است با این ایراد مواجه گردد که موجب جرم‌انگاری بیشتر قانونگذار و افزایش دعاوی مربوط به چک در مراجع قضائی خواهد شد. در پاسخ این ایراد باید گفت که:

اولاً: بنا به آنچه گفته شد حمایت از چک به عنوان وسیله پرداخت فوری در جامعه ما به عنوان یک نیاز احساس می‌شود و به همین جهت به رغم تغییرات و اصلاحات مکرر در طول سال گذشته و بخصوص قریب ۳ سال بحث و مناقشه در سال‌های اخیر، کم و بیش این ضرورت بر همگان روشن گردید و به همین جهت نیز مجلس شورای اسلامی طی آخرین اصلاحات به عمل آمده، با وجود تعدیل حمایت‌های قانونی از دارنده چک، مقررات کیفری در مورد صادرکننده را کماکان مورد تأیید قرار داد.

ثانیاً: معمولاً دریافت کنندگان چک از وضعیت صدور چک مطلع می‌باشند. به علاوه در مورد چک‌های تضمینی و سفید امضاء، معمولاً این دریافت کنندگان چک‌ها هستند که صادرکننده را به صدور چک‌های تضمینی و سفید امضاء ترغیب و بلکه وادار می‌کنند. در نتیجه می‌توان گفت که چنین اشخاصی در واقع در بزه ارتكابی معاونت داشته‌اند و از این جهت قابل تعقیب می‌باشند. با این وصف، در پرونده‌های کیفری چک، شکات معمولاً به خاطر استفاده از حمایت‌های قانونی، وضعیت صدور چک را کتمان و حتی انکار می‌کنند. اما در صورتی که چنین دارندگانی قانوناً قابل تعقیب باشند، از یکسو تدارک دفاع به منظور اثبات وضعیت صدور چک برای صادرکننده وجود دارد و از سوی دیگر، چنین دارنده‌ای وقتی که خود را در مظان اتهام ببیند از طرح شکایت خودداری می‌کند. استمرار چنین وضعیتی و در عین حال ایجاد تسهیلاتی برای وصول سریع‌تر و راحت‌تر سایر اسناد تجاری موجب آن خواهد شد که تمایل صادرکنندگان و دریافت کنندگان چک به استفاده سوء از چک روز به روز کاهش یافته و رفته رفته چک به عنوان یک وسیله پرداخت فوری در موقعیت قانونی و مطلوب خود قرار بگیرد.